



فصلنامه گویش پژوهی

نشریه علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

شاپا چاپی: ۵۲۲۵-۲۶۷۶

دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴



واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به گیوه و گیوه‌بافی در زبان گورانی

Words and Terms Related to Espadrille and Espadrille Weaving in the Gorani Language

Seyyed Mehdi Sadjadi[✉]

¹ PhD in Linguistics, University of Tehran, Tehran, Iran. Corresponding author:
m.sadjadi58@ut.ac.ir

سید مهدی سجادی[✉]

¹ دانش‌آموخته دکتری تخصصی زبان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
m.sadjadi58@ut.ac.ir: نویسنده مسئول

چکیده

گورانی با پیشینه ادبی کهن و غنی دست‌کم ۱۴۰۰ ساله که به اشتباه کردی خوانده می‌شود، از زبان‌های متمایز و مستقل ایرانی شاخه غربی شمالی است که اکنون در بخش‌هایی از سه کشور ایران، عراق و ترکیه به آن تکلم می‌شود. با این حال، به لحاظ توجه و مطالعات و بررسی‌های علمی لازم و کافی فراموش شده‌ترین و ناشناخته‌ترین زبان ایرانی است به گونه‌ای که در سال‌های اخیر از سوی یونسکو به عنوان یک زبان ایرانی در معرض خطر فراموشی معرفی گشته است. در پژوهش حاضر به گردآوری، توصیف، بررسی و تحلیل واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به گیوه و گیوه‌بافی به روش میدانی و در چارچوب تحلیل مقابله‌ای با تمرکز بر سه هدف زیر پرداخته شده است: (الف) ثبت و مستندسازی این واژه‌ها و اصطلاحات، (ب) تأییدی بر پژوهش‌هایی که تمایز و استقلال زبانی گورانی را نشان داده‌اند، (ج) نشان دادن این که گیوه و گیوه‌بافی، از صنایع دستی بومی و کهن گوران‌هاست. در پایان نیز چند شکل مربوط به گیوه و بخش‌های مختلف آن پیوست شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دست‌کم یکصد واژه و اصطلاح مربوط به گیوه و گیوه‌بافی در زبان گورانی وجود دارند که در کردی برابرنهادی برای آنها وجود ندارد و این مؤید اهداف (ب) و (ج) پژوهش است.

Abstract: Gorani with an ancient and rich history of at least 1400 years which is erroneously regarded as Kurdish, is one of the northwestern Iranian languages which is now spoken in some parts of the three countries Iran, Iraq, and Turkey. However, according to investigations, Gorani is the most neglected and unknown Iranian language in such a way that it has been introduced as an endangered Iranian language by UNESCO in recent years. The present research deals with gathering, describing, studying and analyzing the special words and terms for espadrille and espadrille weaving carried out through fieldwork and in a contrastive framework focusing on the following three objectives: a) recording and documenting the words and terms, b) a confirmation of the studies showing that Gorani is a distinct and independent language, and c) showing that espadrille and espadrille weaving is one of the ancient and indigenous handicrafts of the Gorans. At the end, some pictures related to espadrille and its different parts are also attached. Research findings show that there are at least one hundred special words and terms for espadrille and espadrille weaving in the Gorani language with no equivalents in Kurdish confirming the objectives (b) and (c) of the present study.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌ها

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۸

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵

واژگان کلیدی

زبان گورانی

گیوه

گیوه‌بافی

گوران‌ها

History

Received: April 17, 2025

Accepted: June 15, 2025

Keywords

the Gorani language

espadrille

espadrille weaving

the Gorans

استناد: سجادی، سید مهدی (۱۴۰۴). واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به گیوه و گیوه‌بافی در زبان گورانی. گویش پژوهی، (۱)، ۸۳-۹۶.

<https://dx.doi.org/10.61882/jdr.1.1.6>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله. فصلنامه گویش پژوهی، مجله علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

۱. مقدمه

گورانی با پیشینه ادبی کهن و غنی دست کم ۱۴۰۰ ساله که در میان توده و عوام به هورامی نیز مشهور است و به اشتباه کردی خوانده می‌شود، از زبان‌های متمایز و مستقل ایرانی شاخه غربی شمالی است که اکنون در بخش‌هایی از سه کشور ایران، عراق و ترکیه به آن تکلم می‌شود (سجادی، ۱۳۹۷؛ Sadjadi, 2023؛ آساطوریان، ۱۳۹۷: ۴۳-۵۳؛ دبیرمقدم، ۱۳۸۷: ۱۲۱؛ ۱۴۰۲: ۷۹۴؛ Mackenzie, 1961, 1966). با این حال، به لحاظ توجه و مطالعات و بررسی‌های علمی لازم و کافی فراموش شده‌ترین و ناشناخته‌ترین زبان ایرانی است به گونه‌ای که در سال‌های اخیر از سوی یونسکو به عنوان یک زبان ایرانی در معرض خطر فراموشی معرفی شده است (وبگاه اینترنتی یونسکو^۱).

گوران‌ها هم به لحاظ زبانی و هم قومی، مستقل و از کردها متمایز هستند (Minorsky, 1943: 75). آنها که به گورانی صحبت می‌کنند، خود را قومی مستقل و مجزا از کرد می‌دانند و دارای زبان، فرهنگ مادی و ادبی، سنت سیاسی و تاریخی و ویژگی‌های دینی و مذهبی مجزا و خاص خود هستند. گوران‌ها ساکنان پیش از کردها در آن جایی هستند که امروزه کردستان گفته می‌شود (O'Shea, 2004: 32, 39) و در میان کردها به زیرکی و فراست و صنعتگری فوق‌العاده شهرت دارند (Leezenberg, 1993: 17).

صنعتگری و به ویژه صنایع دستی در میان گوران‌ها تاریخ طولانی و پیچیده‌ای دارد به گونه‌ای که بخش بزرگی از آنچه در سطح ملی و بین‌المللی از آن به عنوان فرهنگ مادی و معنوی یاد می‌شود، در واقع متعلق به آنهاست و، همانگونه که اشاره شد، تنها دلیل این معرفی نادرست و عدم اشاره به خاستگاه اصلی آن، تصور عوام مبنی بر کرد بودن گوران‌هاست که در حقیقت به نادیده انگاشتن و مصادره فرهنگ و هویت آنها منجر شده است. لازم به توضیح است که این تصور عوامانه و نادرست، ریشه تاریخی ندارد و در سال‌های اخیر بر اثر تبلیغات حرکت‌های به اصطلاح ملی‌گرای گردی در راستای منافع و اهداف تمامیت‌خواهانه خود با سوء استفاده از فضای ایجادشده از رشد شهرنشینی و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات به وجود آمده که منجر به اختلاط و تماس و برخورد روزافزون گشته است به نحوی که در مناطق بکر و دست‌نخورده و مصون‌مانده از این فضا و به‌ویژه در میان افراد مسن چنین تصور و نگرشی دیده نمی‌شود.

یکی از این صنایع دستی، گیوه‌بافی است. این صنعت دستی هر چند تاریخ دقیقی ندارد اما ویژگی‌های آن بیانگر خاستگاهش یعنی منطقه سکونت گوران‌ها به‌ویژه هورامان به عنوان منطقه‌ای کوهستانی و صعب‌العبور و نیز تاریخ آن به مثابه نخستین پای‌افزار سازگار با موقعیت جغرافیایی این منطقه است. اهمیت این صنعت دستی تا آنجاست که در این شرایط نامساعد اقتصادی و بیکاری، زمینه اشتغال و درآمدزایی قشر وسیعی از مردم گوران و حتی غیر گوران را فراهم نموده به نحوی که به تنها منبع درآمد آنها تبدیل شده است. همین امر انگیزه‌ای شده است که در سال‌های اخیر کردها هم به آن روی آورند و به یادگیری آن مبادرت ورزند. این صنعت دستی در تاریخ ۲۷ آذرماه سال ۱۳۹۶ به نام صنعت دستی کردها ثبت جهانی شد که سبب اعتراض‌هایی با هدف اشاره به خاستگاه واقعی آن یعنی گوران‌ها و به‌ویژه هورامان در ثبت جهانی آن، گشت اما متأسفانه به دلیل عدم آگاهی مسئولین ذیربط شهرستانی و استانی از ویژگی‌های گوناگون منطقه، به‌ویژه ویژگی‌ها و بافت فرهنگی، این اعتراض‌ها راه به جایی نبرد (شکل شماره ۱ پیوست را ببینید). نبود برابر نهاد واژه‌ها و اصطلاحات گورانی مربوط به گیوه و گیوه‌بافی در کردی و استفاده کردها از صورت گورانی آنها مؤید خاستگاه اصلی این صنعت است هرچند ممکن است در صورت امکان در مواردی معادل‌سازی شده باشند. به عنوان نمونه، از آنجا که معادل واژه گورانی «/dæle/ = درون، داخل» در کردی «/nāw/» است، اصطلاح «/dælexān/» گورانی مربوط به گیوه و گیوه‌بافی را به

^۱ www.unesco.org/languages-atlas/

«/nāw(a)ˈxān/» ترجمه کرده‌اند که در ادامه (بخش ۳. ارائه و تحلیل داده‌ها) به تعریف آن پرداخته می‌شود. با توجه به این که گیوه راست و چپ ندارد به این معنا که فرقی بین آنها برای پای راست و چپ وجود ندارد، کردها همواره از توصیفاتی از جمله «گوران‌ها کفشی درست می‌کنند که راست و چپ ندارد.» در این زمینه استفاده می‌کنند که بیانگر کرد نبودن گوران‌ها از یک سو و عدم تعلق این صنعت دستی به کردها از سوی دیگر است.

تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، تاکنون تنها دو کار در مورد داده‌های گویشی در زبان گورانی انجام شده است: یکی مربوط به واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به سنگ (سجادی، ۱۳۹۴) و دیگری دربارهٔ واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به درخت بنه، سقز و سقزکاری (سجادی، ۱۳۹۶). هدف از انجام هر دو پژوهش هم تنها توصیف، ثبت و مستندسازی داده‌های گویشی به روش میدانی بوده است. در مورد داده‌های گویشی به طور کلی و داده‌های گویشی مربوط به صنایع دستی به طور خاص در زبان گورانی و با رویکرد تحلیلی هیچ پیشینه‌ای وجود ندارد. از این رو، اثر حاضر گامی نو در این زمینه است. این مقاله غیر از بخش حاضر (۱. مقدمه) از چهار بخش دیگر به شرح زیر تشکیل شده است: ۲. روش، هدف و ضرورت انجام پژوهش، ۳. ارائه و تحلیل داده‌ها، ۴. نتیجه‌گیری و ۵. پیوست (شکل‌ها).

۲. روش، هدف و ضرورت انجام پژوهش

در این پژوهش یکصد واژه و اصطلاح مربوط به گیوه و گیوه‌بافی در زبان گورانی به روش میدانی و در چارچوب تحلیل مقابله‌ای^۳ با تمرکز بر سه هدف گردآوری، بررسی و تحلیل شده‌اند: (الف) ثبت و مستندسازی این واژه‌ها و اصطلاحات، (ب) تأییدی بر پژوهش‌هایی که تمایز و استقلال زبانی گورانی را نشان داده‌اند (برای نمونه، سجادی، ۱۳۹۷، ۲۰۰۳؛ Minorsky, 1943; Mackenzie, 1966)، (ج) نشان دادن این که گیوه و گیوه‌بافی از صنایع دستی بومی و کهن گوران‌هاست. برای انجام این کار، نگارنده با مراجعه به مغازه‌های گیوه‌بافی، گیوه‌سازان، گیوه‌بافان و گیوه‌سازان گوران در شهرهای مریوان، سروآباد، پاوه، سنندج، شهر اورامان تخت، شهر نودشه و روستاهای تابعه آنها، گفتگو و مصاحبه با آنها در مورد هر واژه و اصطلاح و تعریف و کاربرد آن، مشاهده کار آنها، ضبط گفتگوها و عکس و فیلم‌برداری از گیوه‌ها و شیوه کار گیوه‌بافان و گیوه‌سازان به گردآوری داده‌ها پرداخته است. افزون‌براین، نگارنده که خود زبانور بومی گورانی و مسلط بر کردی است و در میان گوران‌ها و کردها زندگی می‌کند، هر جا لازم بوده از دانش زبانی خود در این زمینه استفاده کرده است. به دنبال معرفی و توصیف هر واژه و اصطلاح گورانی مربوط به گیوه و گیوه‌بافی اگر برابرنهادی کردی برای آن واژه و اصطلاح در معنای عام نه در معنای مورد نظر بافت گیوه و گیوه‌بافی وجود داشته باشد، آورده شده است. برای این کار از هنبانه‌بُورینه (فرهنگ کردی - فارسی هزار) (۱۳۹۲) و فرهنگ فارسی - کردی دانشگاه کردستان (۱۳۹۳) استفاده شده است. همچنین، در صورت لزوم و متناسب با واژه‌ها و اصطلاحات گورانی، به تفاوت‌های واجی، ساخت‌واژی و نحوی گورانی و کردی در راستای تمایز و استقلال زبانی گورانی نیز اشاره شده است.^۴ در پایان هم چند شکل مربوط به گیوه و بخش‌های مختلف آن پیوست شده است.

تحلیل مقابله‌ای یا زبان‌شناسی مقابله‌ای شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به مقابله و مقایسهٔ دو یا بیشتر از دو زبان به منظور تعیین تفاوت‌ها و شباهت‌های بین آنها می‌پردازد (Fallahi, 1991: 6; Fisiak, 1981: 1). این شاخه از زبان‌شناسی بیشتر به تفاوت‌های بین زبان‌ها علاقه‌مند است تا شباهت‌های بین آنها (James, 1980: 2).

^۲ آنچه که در درون کمانک آمده است، اختیاری است یعنی هم می‌تواند بیاید و هم نیاید.

^۳ contrastive analysis (CA)

^۴ برای آگاهی بیشتر در این زمینه به سجادی (۱۳۹۷، ۲۰۱۹، ۲۰۲۳) مراجعه شود.

شهرنشینی و رشد روزافزون آن، جهانی سازی و ارتباطات و پیوندهای رو به گسترش انسان ها ناشی از فن آوری اطلاعات و ارتباطات، زبان ها و گویش های محلی، غیررسمی و بدون امکانات را به مخاطره انداخته است. شهرنشینی و زندگی اردوگاهی به قول رونالد واردها (Wardhaugh, 2010: 126) به دلیل زیادی جمعیت و تنوع زبانی و گویشی، از بین برنده بزرگ مرزهای زبانی بوده و عامل تهدیدکننده ای برای از بین بردن تنوعات و تفاوت های زبانی و گویشی و یکدست کردن آنهاست. گذشته از این، همانگونه که اشاره شد، گورانی یکی از زبان های ایرانی است که از سوی یونسکو به عنوان یکی از زبان های در معرض خطر فراموشی شناخته شده است. این عوامل ضرورت و اهمیت پژوهش های زبانی و گویشی را در راستای ثبت، مستندسازی و ماندگاری گونه های زبانی پررنگ می سازد. از سویی دیگر، این کار از دیدگاه زبان شناختی نیز دارای اهمیت است و می تواند اطلاعات سودمندی در باب کشف ناشناخته های انسان، فرهنگ، ذهن و شناخت، زبان و تاریخ در اختیار پژوهشگران و زبان شناسان قرار دهد. افزون براین، پژوهش حاضر می تواند گامی در راستای شناساندن خاستگاه واقعی این صنعت دستی باشد. با توجه به این که نمادهای آوایی به کار رفته در آوانگاری داده های این مقاله مبتنی بر نظام واجی زبان گورانی است، جدول واج های این زبان (۳۹ واج: ۳۱ همخوان و ۸ واکه ساده) در اینجا ارائه می شود (Sadjadi, 2023: 3, 4):

جدول ۱: همخوان های زبان گورانی

دولبی	لبی - دندانی	لثوی	لثوی - کامی	نرمکامی	لثوی نرمکامی - شده	ملازی	حلقی	چاکنایی
انسدادی	b ⁵ [b] p[p]	d[d] t[t]	g[g] k[k]	q[q]	ʔ[ʔ]			
سایشی	v[v] f[f]	z[z] s[s]	ʒ[ʒ] ʃ[ʃ]	ɣ[ɣ] χ[χ]	ʕ[ʕ] ħ[ħ]			
انسایشی			dʒ[dʒ] tʃ[tʃ]					
خیشومی	m[m]	n[n]	ɳ[ɳ]					
کناری		l[l]						
زنشی / تک ضربی		r[r]						
لرزشی / غلطان / چند ضربی		ɾ[ɾ]						
ناسوده		ɽ[ɽ]						
نیم واکه			w[w] j[j]					

جدول ۲: واکه های زبان گورانی

پیشین	مرکزی	پسین
i[i]		u[u]
e[e]	ə[ə]	o[ō] ɔ[o]
a[a]		ɑ[ā]

^۵ نخستین واج ها، واکدار و دومی ها که در زیر آنها آمده اند، بی واک هستند.

^۶ نمادهای داخل کروشه ها نمادهایی اند که در آوانویسی داده ها به کار رفته اند.

۳. ارائه و تحلیل داده‌ها

در این بخش واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به صنعت دستی گیوه و گیوه‌بافی در زبان گورانی ارائه، توصیف و در چارچوب تحلیل مقابله‌ای با برابر نهاد احتمالی آنها در کردی، آنگونه که در بخش (۲) آمده است، مقایسه و تحلیل شده‌اند.

/ban/: بند، نخ، ریسمان. برابر نهاد کردی: **/ban/** = بند /.

/bara/: دَر؛ همان چیزی است که در **/sākār/** به آن **/dāmi/** می‌گویند با این تفاوت که در مورد **/lā/** و **/damgař/** به کار می‌رود. برابر نهاد کردی: **/dər (gā)/** = در، ورودی /.

/bən dāyra/: شروع کردن هر کدام از قسمت‌های رویه گیوه. تکواژ مصدر ساز در کردی، **/-(ə)n/** اما در گورانی **/-a/āy/** است.

/bənparg dāyra/^۷ **/nəyāyra/**: بافتن **/bənparg/**.

/bənparg/: نخستین چین (لایه یا خط) رویه که بر روی **/pargamā/** بافته می‌شود.

/bəna/: آغاز و شروع هر کدام از قسمت‌های رویه گیوه. برابر نهاد کردی: **/bənāqā/** = شالوده، اساس /.

/bənāmā/: اساس، پایه، آغاز. در گیوه‌بافی همان **/bənparg/** است.

/bəne/kogā/: مرکز. برابر نهاد کردی: **/nāwand/** = مرکز، وسط /.

/bənew/kōgāw kələš karday/čənyay/: مرکز گیوه‌سازی (بخش زیره) و گیوه‌بافی (بخش رویه). نشانگر ساخت اضافه اسمی کردی و گورانی بسته به آوای پایانی اسم اول متفاوت است: کردی: **/-i/** اگر آن آوا همخوان و **/-y/** است اگر آن آوا واکه باشد. گورانی: **/-u/** اگر آن آوا همخوان و **/-w/** است اگر آن آوا واکه باشد. افزون بر این، اسم دوم این ساخت در گورانی، برخلاف کردی، بسته به آوای پایانی آن نشاندار می‌شود یعنی **/-i/** اگر آوای پایانی آن همخوان و **/-y/** می‌گیرد اگر آوای پایانی آن واکه باشد.

/čak u lut (karday)/: وصل کردن قسمت پسین و پیشین بخش زیره با **/tāsmā/** یا **/kāšiban/** تا **/paykana/pekana/** ها جمع نشوند و تعادل بخش زیره را که از **/paykana/pekana/** ها تشکیل شده است و به شکل پا است، ثابت و محکم نگه دارد. واج **/ḏ/** در کردی وجود ندارد. برای اطلاعات بیشتر در این مورد به جدول ۱ مراجعه شود.

/čak/: آنچه که قسمت پسین بخش زیره **/pāžəne/** از آن است و از غضروف اندام تناسلی گاو نر درست می‌شود.

/čake/: غضروف آلت‌های تناسلی خشک‌شده و تکه‌تکه شده گاوها نر که مال قسمت پسین **/pāžəne/** نسبت به قسمت پیشین **/luta/** درازتر و ضخیم‌تر است. جمع **/čak/** است. گورانی دو تکواژ جمع دارد: **/-e/** در حالت فاعلی و **/-ā(n)/** در حالت غیر فاعلی. تکواژ جمع در کردی تنها **/-ān/** است.

/čakoš/: چکش. از آن برای زدن و فرو کردن **/pəsmāri/** در قسمت پسین و پیشین زیره استفاده می‌گردد. برابر نهاد کردی: **/čakoč/š/** = چکش /.

/čani/: سوزن. برابر نهاد کردی: **/darzi/** = سوزن /.

/čarma-w-kava/: اگر رنگ بخش زیره گیوه از دو رنگ سفید و آبی تشکیل شده باشد، به آن **/čarma-w-kava/** می‌گویند. برابر نهاد کردی: **/səpi/** = سفید و **/šin/** = آبی / واج **/v/** در کردی وجود ندارد.

/čarma-w-sur/: اگر رنگ بخش زیره گیوه از دو رنگ سفید و قرمز باشد، آن را **/čarma-w-sur/** می‌نامند. برابر نهاد کردی: **/sur/** = قرمز /.

/čarma/: سفید.

^۷ یا آنچه قبل از آن آمده است، می‌آید یا آنچه بعد از آن نه هر دو با هم.

/čarmay řut/: اگر رنگ بخش زیره گیوه کاملاً سفید باشد، به آن /čarmay řut/ گفته می‌شود.
 /časp/: چسب، که امروزه کاربرد /š/səreša/ را دارد. برابر نهاد کردی: /zām/nq/ = چسب.
 /čer/: زیر، پایین، تحت. برابر نهاد کردی: /zer/ = زیر.
 /čera(kələš)/: بخش تحتانی گیوه (زیره) که از پارچه (معمولاً متقال) ساخته می‌شود (شکل ۲).
 /damgař/: قسمت بعد از /sākār/ که شیوه بافتن آن مانند /lā/، افقی (طولی) است (شکل ۳).
 /damgaře/: چین‌های قسمت بعد از /sākār/، جمع /damgař/ است.
 /dāmi/: هر کدام از گره‌های /sākār/، هر /sākār/ی از ۵۰ تا ۷۰ /dāmi/ تشکیل می‌شود.
 /dār/: برای بافتن /dāmi/ها نخست سمت راست /sākār/ با یک /parg/ به سمت چپ وصل می‌شود که به آن /dār/ می‌گویند. /dāmi/ها در فاصله بین هر /dār/ با /dār/ /dāmi/ شده پیشین بافته می‌شوند.
 /dawru baray/: یک /gař/ که گرداگرد پاشنه بافته می‌شود تا آن را صاف، راست و متعادل نماید.
 /dalexān/: فتیله متخلخل که در درون /xəšt/ قرار داده می‌شود.
 /dōm/: همان /kələškar/ است. شایان ذکر است که رویه را هم مردان و هم زنان می‌بافند اما زیره را معمولاً تنها مردان می‌سازند.
 /dərāwši/: درفش، وسیله‌ای که از قسمتی آهنی (سوراخ‌کن) و دسته‌ای چوبی و گرد برای سوراخ کردن بخش زیره و /čak/ها و عبور دادن بند و نخ از آن ساخته شده است. برابر نهاد کردی: /dərəšk, dərəša/ = پینه‌دوز.
 /dāvāla/: نام دیگر /kāšiban/ است.
 /?enna qōzā, tāxət kələšpāyč madəvnō/: آنقدر مغرور است که حتی با گیوه‌پوش هم صحبت نمی‌کند. برای اشاره به کسانی به کار می‌رود که به دلیل غرور بیش از حد و کاذب حتی با افراد دارای طبقه اجتماعی بالا نیز هم‌صحبت نمی‌شوند. از آن جا که همه به لحاظ مالی توانایی پوشیدن گیوه را ندارند، بنابراین، پوشیدن این پای‌افزار بیانگر بالا بودن طبقه اجتماعی است (بیشتر در گذشته). برابر نهاد کردی: /?awanda/ = آنقدر، /tanānat/ = حتی. برابر نهاد «هم، نیز، همچنین» فارسی در کردی، بسته به آوای پایانی اسم، /-iš/ اگر آن آوا همخوان و /-yš/ است اگر آن آوا واکه باشد اما در گورانی، /-ič/ اگر آن آوا همخوان و /-yč/ است اگر آن آوا واکه باشد.
 /fətela/: پارچه مورد استفاده برای ساخت زیره را نخست به ابعاد (۱۲ در ۳۰ تا ۳۵ سانتی‌متر) برش می‌دهند. هر کدام از این برش‌ها را /fətela/ می‌گویند. برابر نهاد کردی: /māsol,pəliṭa/ = فتیله.
 /gař/: هر چین بافته شده رویه.
 /gāzəna/: وسیله‌ای آهنی و چاقومانند با لبه تیز پهن که برای بریدن پارچه بخش زیره و قسمت‌های اضافی آن به کار می‌رود.
 /gōčavani/: سوزن مخصوصی که از /tabane/ ضخیم‌تر و درازتر است و /tāsmā/، /kāšiban/ و /dāvāla/ به وسیله آن از میان بخش زیره عبور داده می‌شوند. جوالدوز. برابر نهاد کردی: /š/sōžən/ = جوالدوز.
 /golang/: تکه بندمانندی که در وسط /hatima/ بافته می‌شود و هنگام پوشیدن گیوه آن را گرفته و به سمت بالا می‌کشند (شکل ۲). برابر نهاد کردی: /řišwa/ = منگوله.
 /hatima/: قسمت پایانی (بعد از /sarū kolagařā/) که یک /gař/ است. شیوه بافتن آن مانند /lā/ و /damgař/ است با این تفاوت که /bara/ها درونی هستند نه بیرونی.
 /hita/: جفت (گیوه). برابر نهاد کردی: /jut/ = جفت (کفش)./

/kāšiban/: همان **/tāsmā/** است با این تفاوت که از پوست گاو نر درست می‌شود چون محکم است و کشیده نمی‌شود (شکل ۲).

/kava/: آبی.

/kavay řut/: اگر رنگ بخش زیره گیوه کاملاً آبی باشد، به آن **/kavay řut/** می‌گویند.

/kela/: هر ردیف از چین‌های بافته‌شده. برابر نهاد کردی: **řiz** = ردیف.

/kerkalaqāw/: آلت تناسلی گاو نر.

/kəlaš/: گیوه. برابر نهاد کردی: **kəlaš** = گیوه. این واژه، وام‌واژه‌ای گورانی در کردی ناشی از تماس و برخورد زبانی و تأثیر گورانی بر کردی^۸ است چرا که در میان همه گیوه‌سوران کردی رایج نیست. افزون بر این، در میان کردها از اصطلاح **kəlaši** / **hawrāmi** = گیوه هورامی / عموماً برای اشاره به این پای‌افزار به کار می‌رود که نشان‌دهنده خاستگاه این صنعت در میان گوران‌ها به طور کلی و هورام‌ها به طور خاص است.

/kəlaščən/: گیوه‌باف (مذکر). پای‌افزار گیوه از دو بخش فوقانی «رویه» و تحتانی «زیره» تشکیل شده است. بخش رویه نخی است و بافته می‌شود. بافنده این بخش را **/kəlaščən/** می‌گویند. در گورانی، برخلاف کردی، دو جنس دستوری مذکر و مؤنث وجود دارند. همه اسم‌ها یا مذکرند یا مؤنث. جنس دستوری اسم با توجه به آوای پایانی آن و جایگاه تکیه مشخص می‌شود. صفات، حروف تعریف (معین و نامعین) و افعال در جنس دستوری با اسم‌ها مطابقت نشان می‌دهند. برابر نهاد کردی: **kəlaščən** = بافنده رویه کلاش.

/kəlaš čənyay/: گیوه‌بافی (بخش رویه). برابر نهاد کردی: **kəlaš čənin** = گیوه‌بافی (بخش رویه).

/kəlaščəna/: گیوه‌باف (مؤنث). برابر نهاد کردی: **kəlaščən** = بافنده رویه کلاش.

/kəlaše/: گیوه‌ها: شکل جمع **/kəlaš/** است (شکل ۲).

/kəlaškar hamišay pāxərvān/: گیوه‌ساز همیشه پابرنه است. برای اشاره به کسانی گفته می‌شود که آنقدر سرشان شلوغ است و مشغول کار و خدمت‌اند که از نیازها و خواسته‌های خود غافل می‌مانند.

/kəlaškar/: سازنده بخش زیره گیوه، گیوه‌ساز (مذکر). برابر نهاد کردی: **kəlaškar** = سازنده بخش زیره گیوه. این، وام‌واژه گورانی در کردی است زیرا برابر نهاد کردی «کردن = ساختن»، **/kərdən/** است و در این صورت، برابر نهاد کردی آن باید **/kəlaškər/** می‌بود. برابر نهاد گورانی «کردن = ساختن»، **/kərday/** است.

/kəlaškara/: سازنده بخش زیره گیوه (مؤنث). برابر نهاد کردی: **kəlaškar** = سازنده بخش زیره گیوه.

/kəlaš karday/: گیوه‌سازی (بخش زیره). برابر نهاد کردی: **kəlaš kərdən** = گیوه‌سازی (بخش زیره).

/kəlašpā/: کسی که گیوه می‌پوشد، گیوه‌پوش. برابر نهاد کردی: **kəlašpe** = گیوه‌پوش.

/kəlašsān/: خریدار گیوه (مذکر). برابر نهاد کردی: **kəlaškər/sen** = خریدار پیوه.

/kəlašsāna/: خریدار کفش (مؤنث). خریداران گیوه معمولاً مردان هستند. برابر نهاد کردی: **kəlaškər/sen** = خریدار پیوه.

/kəlaš sənāy/: خرید گیوه. برابر نهاد کردی: **kəlaš kərin** / **səndən** = خرید گیوه.

/kəlašvəraš/: فروشنده گیوه، گیوه‌فروش (مذکر). برابر نهاد کردی: **kəlašforōš** = گیوه‌فروش.

/kəlašvərašā/: فروشنده گیوه، گیوه‌فروش (مؤنث). برابر نهاد کردی: **kəlašforōš** = گیوه‌فروش.

/kəlašvərašī/: گیوه‌فروشی (دکان، مغازه). برابر نهاد کردی: **kəlašforōši** = گیوه‌فروشی.

^۸ برای آگاهی بیشتر در این زمینه به (Leezenberg, 1993; Mackenzie, 1961) مراجعه کنید.

/kəlaš vəratay/: گیوه فروشی (شغل). برابر نهاد کردی: **/kəlaš forōši/** = گیوه فروشی /.

/kolagař/: **/gař/** های بعد از **/damgař/** که ۶ تا ۸ تا هستند و هر چه به انتها نزدیک می شویم، طول **/gař/** ها کوتاه تر می گردد.

/lā/: بخش رویه به طور کلی خود از دو قسمت تشکیل شده است: فوقانی و کناری. قسمت کناری را **/lā/** می گویند که معمولاً حداقل ۴ و حداکثر ۶ **/gař/** است (شکل ۳). برابر نهاد کردی: **/lāy/w/** = طرف /.

/luta/: قسمت پیشین (نوک) گیوه (رویه) (شکل ۳). برابر نهاد کردی: **/lut/** = بینی /.

/luta/: قسمت پیشین و جلوی زیره که معمولاً از ۲۰ **/fətela/** ساخته می شود. برابر نهاد کردی: **/lut/** = بینی /.

/luta/: بینی؛ قسمت پیشین بخش زیره که از **/čak/** درست می شود. برابر نهاد کردی: **/lut/** = بینی /.

/məšta/: وسیله ای آهنی برای کوبیدن و قالب زدن و شکل دادن به بخش زیره گیوه (**/fətela/** ها و **/čak/** ها). برابر نهاد کردی: **/daspəř/** = دسته کارد و خنجر /.

/nay/: نخ. برابر نهاد کردی: **/nax, dazu, lōna/** = نخ /.

/pāpājāle/: گیوه های با زیره لاستیکی که برای بچه ها بافته می شوند.

/parg (?)āsayra/: درست / آماده کردن **/parg/**.

/parg/: نخ که از چند رشته نخ نازک درست می شود. بخش رویه گیوه با **/parg/** و **/tabane/** بافته می شود. این بخش چون با نخ بافته می شود، همواره سفیدرنگ است.

/pargamā/: همان **/parg/** است با این تفاوت که از موی بز درست می شود و بنابراین، معمولاً سیاه رنگ است. از آن برای وصل کردن بخش رویه به زیره استفاده می شود. در واقع، برای بخش رویه نقش فونداسیون را بازی می کند که این بخش بر روی آن قرار می گیرد.

/pařō(kəlaš)/: پارچه ای (پیشتر از گونی های آرد وارده از عراق و اکنون متقال) که برای درست کردن بخش زیره گیوه از آن استفاده می شود. این پارچه ها آبی، قرمز یا سفیدند یعنی آنها را با این رنگ ها رنگ می کنند. بنابراین، بخش زیره معمولاً آبی، گاهی اوقات قرمز یا سفید و در مواردی ترکیبی از دو تا از این رنگ ها است. شایان ذکر است که بخش زیره گاهی اوقات چوبی و لاستیکی است. برابر نهاد کردی: **/pařō(kəlaš)/**.

/paykanager/: کسی که **/paykana/pekana/** ها را برش، ردیف و مرتب می کند.

/paykana gərtay/: برش، ردیف و مرتب کردن **/paykana/pekana/** ها.

/paykana/pekana/: بخش زیره گیوه از ۴ قسمت **/pāžəne/**، **/qōda/**، **/sina/** و **/luta/** تشکیل می شود. برای هر کدام از این قسمت ها نیز چندین **/fətela/** روی هم قرار داده می شوند که به آنها **/paykana/pekana/** گفته می شود. هنگامی که زیره از دو رنگ تشکیل شده باشد، **/pāžəne/** و **/sina/** باید هم رنگ و **/qōda/** و **/luta/** نیز هم رنگ باشند.

/pāžəne/: پاشنه گیوه (رویه) که تعداد **/gař/** های آن باید ۵ تا ۷ **/gař/** از **/lā/** بیشتر (بلندتر) باشد (شکل ۳). برابر نهاد کردی: **/pāžəna/** = پاشنه کفش /.

/pāžəne/: قسمت پاشنه زیره که معمولاً از ۱۲ عدد **/fətela/** درست می شود. برابر نهاد کردی: **/pāžəna/** = پاشنه کفش /.

/pəsmāri/: میخ های کوچکی که در کنار هم و به طور فشرده بر تمام قسمت پسین و پیشین زیره زده می شود تا این قسمت ها با زمین تماس نداشته باشند و ساییده نشوند. افزون بر این، جنبه تزئینی هم دارد به گونه ای که هنگام راه رفتن صدای گوش نوازی تولید می کنند. برابر نهاد کردی: **/mex/** = میخ /.

/qāləb/: وسیله ای چوبی به اندازه و شکل رویه که برای قالب و شکل دادن به این بخش و صاف نمودن آن کاربرد دارد. برای این کار، آن را برای مدتی درون رویه قرار می دهند (شکل ۳). برابر نهاد کردی: **/qāləb/** = چهارچوب /.

/qəltāx/: در مواردی رویه گیوه بر روی زیره‌ای چوبی بافته می‌شود که پس از تمام شدن، از زیره جدا می‌شود و به فروش می‌رسد. در این حالت، چسباندن و نصب آن بر روی زیره‌های پارچه‌ای برای استفاده به عنوان پای‌افزار گیوه، کار /kələškar/ است.

/qōda/: قسمت میانی (تقریباً متناسب با گودی کف پا) زیره که معمولاً از ۵۵ تا ۶۰ /fətelā/ تشکیل می‌شود.

/qōta/: کنده چوبی که به عنوان پایه میز کار در ساخت بخش زیره گیوه از آن استفاده می‌شود.

/řang(a)/: رنگ. برابر نهاد کردی: řang/ = رنگ/.

/sākār/: قسمت فوقانی رویه خود از دو قسمت تشکیل می‌شود: قسمت جلوی که تخت است و درازای آن باید به اندازه طول نوک انگشتان تا کف دست باشد، /sākār/ نام دارد. شیوه بافتن آن برخلاف /lā/، عمودی (عرضی) است (شکل ۳).

/sar/: رو، بالا، فوق. برابر نهاد کردی: bān/ = بالا/.

/sarakələš/: بخش فوقانی گیوه (رویه) که از نخ سفیدرنگ بافته می‌شود (شکل ۲).

/sarū kolagařā/: قسمت بعد از /kolagař/ که از یک /gař/ تشکیل شده است.

/sina/: قسمت سینه زیره (تقریباً متناسب با قسمت میان گودی کف پا و انگشتان) که معمولاً از ۵۰ /fətelā/ درست می‌شود. برابر نهاد کردی: səng, sing/ = سینه/.

/sur/: قرمز.

/sur-u-kava/: اگر رنگ بخش زیره گیوه از دو رنگ قرمز و آبی تشکیل شده باشد، /sur-u-kava/ نامیده می‌شود.

/širāza/: از آنجا که بین /pargamā/، /bənparg/ (سیاه‌رنگ) و رویه (سفیدرنگ) هماهنگی وجود ندارد، یک /gař/ گداگرد /sarakələš/ بافته می‌شود تا /bənparg/ و /pargamā/ دیده نشوند و به لحاظ رنگ با رویه هماهنگ (سفید) گردند. /širāza/ حالتی تزئینی و یکدست به رویه می‌دهد (شکل ۳).

/š/səreša/: ماده چسبناکی که بیشتر برای صاف و محکم کردن دوردور زیره به کار می‌رفت تا از هم نپاشد. برابر نهاد کردی: řasrilk, řariž, čəreš/ = سریش/.

/tabane/: سوزن مخصوصی که از سوزن عادی ضخیم‌تر و درازتر است. /parg/ را از سوراخ آن عبور می‌دهند و با آن بخش رویه بافته می‌شود.

/tang keštay/: عمل کشیدن /kāšiban/ یا /tāsmā/ عبور داده‌شده از /tira/ برای مرتب، سفت و محکم کردن زیره.

/tang/: کشیدن /kāšiban/ یا /tāsmā/ عبور داده‌شده از /tira/ برای مرتب، سفت و محکم کردن زیره. برابر نهاد کردی: tang/ = تنگ زین/.

/taqale/: گره‌های کوچک /lā/ و /sākār/، مفرد آن، /taqala/ است. برابر نهاد کردی: taqał/ = بخیه/.

/tāsmā/: بند محکمی از نخ که قسمت‌های مختلف بخش زیره گیوه با آن در کنار هم قرار داده می‌شوند و زیره را می‌سازند. به عبارت دیگر، از آن برای محکم نگه داشتن و حفظ تعادل /čera(kələš)/ استفاده می‌شود.

/tira/: پس از آنکه /paykana/pekana/های چهار قسمت زیره آماده شدند به ترتیب پشت سر هم قرار داده می‌شوند و از وسط به صورت طولی از /luta/ به /pāžəne/ یا /dərawši/ سوراخی ایجاد می‌شود که /kāšiban/ یا /tāsmā/ از آن عبور داده می‌شود. به این سوراخ /tira/ گفته می‌شود.

/tōraxām/: جنس پارچه مورد استفاده برای زیره. متقال.

/xəšt/: فتیله‌ای که صاف، فشرده و نامتخلخل باشد که برای بخش زیرین زیره که با زمین در تماس است و نیز بخشی که در زیر کف پا قرار می‌گیرد، به کار می‌رود. جمع آن، /xəšte/ است.

در این بخش به معرفی، توصیف، بررسی و تحلیل یکصد واژه و اصطلاح گورانی مربوط به صنعت دستی گیوه و گیوه‌بافی و نیز برخی از ویژگی‌های دستوری واجی (از جمله دو واج /d/ و /v/ گورانی که کردی فاقد آنهاست)، ساخت‌واژی (از جمله تکواژ مصدرساز و جمع گورانی که با کردی کاملاً متفاوت است) و نحوی (از جمله ساخت اضافه گورانی و کردی که با یکدیگر فرق دارند و جنس دستوری در گورانی که در کردی وجود ندارد) گورانی موجود در این واژه‌ها و اصطلاحات با برابرنهاد و همتای آنها در کردی در چارچوب تحلیل مقابله‌ای پرداخته شد. همچنین، به اصطلاح /kəḷāši hawrāmi/ گیوه هورامی / و توصیفاتی همچون «گوران‌ها کفشی درست می‌کنند که راست و چپ ندارد.» اشاره شد که در میان کردها عموماً برای اشاره به این پای‌افزار و سازندگان آن کاربرد و رواج دارند و بیانگر کرد نبودن گوران‌ها از یک سو و عدم تعلق این صنعت دستی به کردها از سوی دیگر است. این معرفی، توصیف، بررسی و تحلیل نشان می‌دهد که اولاً، صنعت دستی گیوه و گیوه‌بافی از صنایع دستی بومی و کهن گوران‌ها و به‌ویژه هورام‌هاست چرا که این واژه‌ها و اصطلاحات یا در کردی وجود ندارند (۵۰ واژه و اصطلاح برابر با ۵۰ درصد کل واژه‌ها و اصطلاحات)، یا در صورت وجود، الف) وام‌واژه گورانی در کردی ناشی از برخورد و تماس زبانی و تأثیر گورانی بر کردی هستند (۲۴ واژه و اصطلاح برابر با ۲۴ درصد کل واژه‌ها و اصطلاحات) و ب) در معنای عام و نه در معنای مورد نظر در بافت صنعت دستی گیوه و گیوه‌بافی به کار می‌روند (۲۶ واژه و اصطلاح برابر با ۲۶ درصد کل واژه‌ها و اصطلاحات). این یافته مؤید دیگر پژوهش‌ها در این زمینه است (به بخش ۱). مقدمه) رجوع شود). ثانیاً، گورانی و کردی تفاوت‌های اساسی زیادی هم در سطح واژگانی و هم دستوری دارند به گونه‌ای که نمی‌توان گورانی را گونه‌ای کردی دانست بلکه بر اساس این ویژگی‌های زبانی گورانی و مقابله آنها با ویژگی‌های زبانی کردی و در نتیجه تفاوت بارز این ویژگی‌ها با یکدیگر که تأکید تحلیل مقابله‌ای هم بیشتر بر تفاوت‌هاست تا شباهت‌ها (جیمز، ۱۹۸۰: ۲)، باید گورانی را زبانی متمایز و مستقل تلقی کرد. این همسو با دیگر پژوهش‌ها در زمینه تمایز و استقلال زبانی گورانی است (به بخش «۱. مقدمه» رجوع شود).

۴. نتیجه‌گیری

در این پژوهش به معرفی، توصیف، بررسی و تحلیل واژه‌ها و اصطلاحات گورانی مربوط به گیوه و گیوه‌بافی به روش میدانی و در چارچوب تحلیل مقابله‌ای با تمرکز بر سه هدف زیر پرداخته شد: الف) ثبت و مستندسازی این واژه‌ها و اصطلاحات، ب) تأییدی بر پژوهش‌هایی که تمایز و استقلال زبانی گورانی را نشان داده‌اند، ج) نشان دادن این که گیوه و گیوه‌بافی، از صنایع دستی بومی و کهن گوران‌هاست. یافته‌های پژوهش نشان داد که دست‌کم یکصد واژه و اصطلاح مربوط به گیوه و گیوه‌بافی در زبان گورانی وجود دارند. مقابله این واژه‌ها و اصطلاحات با برابرنهاد کردی آنها نشان داد که در کردی چنین واژه‌ها و اصطلاحاتی وجود ندارند و اگر در مواردی همخوانی بین واژه‌ها و اصطلاحات گورانی و کردی دیده می‌شود، یا وام‌واژه گورانی در کردی ناشی از برخورد و تماس زبانی و تأثیر گورانی بر کردی هستند یا در کردی در معنای عام و نه در معنای مورد نظر در بافت صنعت گیوه و گیوه‌بافی کاربرد دارند. همچنین، به اصطلاح /kəḷāši hawrāmi/ گیوه هورامی / و توصیفاتی مانند «گوران‌ها کفشی درست می‌کنند که راست و چپ ندارد.» اشاره شد که در میان کردها عموماً برای اشاره به این پای‌افزار و سازندگان آن به کار می‌روند. همه این موارد نشان می‌دهد که صنعت دستی گیوه و گیوه‌بافی از صنایع دستی بومی و کهن گوران‌ها به طور کلی و هورام‌ها به طور خاص است چرا که اگر گویشوران زبانی (در اینجا، کردی) کاشف، مخترع، مبدع، سازنده و صاحب چیزی (در اینجا، گیوه و گیوه‌بافی) بوده باشند، برای آن چیز هم واژه و اصطلاح بومی دارند. افزون بر این، مقابله واژه‌ها و اصطلاحات گورانی با برابرنهاد کردی آنها و نیز برخی ویژگی‌های دستوری (واجی، ساخت‌واژی و نحوی) گورانی با کردی موجود در این واژه‌ها و اصطلاحات بیانگر آن است که گورانی و کردی تفاوت‌های بنیادین زیادی هم در سطح واژگانی و هم دستوری دارند که این مؤید پژوهش‌هایی است که تمایز و استقلال زبانی گورانی از

کردی را نشان داده‌اند. نتایج این پژوهش و پژوهش‌های همسو با آن می‌تواند در دستورنویسی، فرهنگ‌نویسی، مطالعات تاریخی و فرهنگی، بازنگری اساسی دیدگاه‌ها در زمینه زبان‌شناسی ایرانی و رده‌شناسی زبان‌های ایرانی (به عنوان نمونه، ثبت ملی گورانی به عنوان یک زبان ایرانی متمایز و مستقل) مورد استفاده قرار گیرد. ثبت و مستندسازی یکصد واژه و اصطلاح بومی گورانی مربوط به گیوه و گیوه‌بافی از دیگر نتایج این پژوهش و از اهمیتی حیاتی برخوردار است به‌ویژه آنکه گورانی از سوی یونسکو به عنوان یکی از زبان‌های ایرانی در معرض خطر فراموشی معرفی گشته است.

۵. پیوست (شکل‌ها)

۶۵۳۲/۱۱/۲۷۷۵
تاریخ: ۹۸/۴/۲۴
۱۳۴۶/۰۲/۲۷

به نام خدا

فرماندار محترم شهرستان مریوان
با عرض سلام و ادب

ضمن سپاسگزاری از اقدام جنابعالی و دیگر مسئولان ذریبط در راستای معرفی شهرستان مریوان به عنوان شهر جهانی "کلاش" و خبرمقدم به ارزیابان و بازرسان شورای جهانی صنایع دستی، احتراماً به استحضار می‌رساند با توجه به اینکه صنعت دستی گیوه (کلاش) بانی اساساً جزو صنایع دستی مردم هورامان و بومی آن دیار می‌باشد و از آن جا و توسط مردمان آن به دیگر نقاط منطقه گسترش یافته است و هم اکنون نیز همه گیوه‌باغان مریوان و جاهای دیگر یا هورام‌ها هستند یا افرادی‌اند که هورام‌ها این صنعت دستی را به آنها آموزش داده‌اند، لذا با توجه به تعهد دلسوزی و شایستگی که در جنابعالی سراغ می‌رود، مستدعی است در ثبت جهانی آن، این مهم مد نظر قرار گیرد و به اطلاع ارزیابان و بازرسان شورای جهانی صنایع دستی نیز رسانده شود.

با تقدیم احترام

نویسندگان و فعالان فرهنگی و ادبی هورامان:

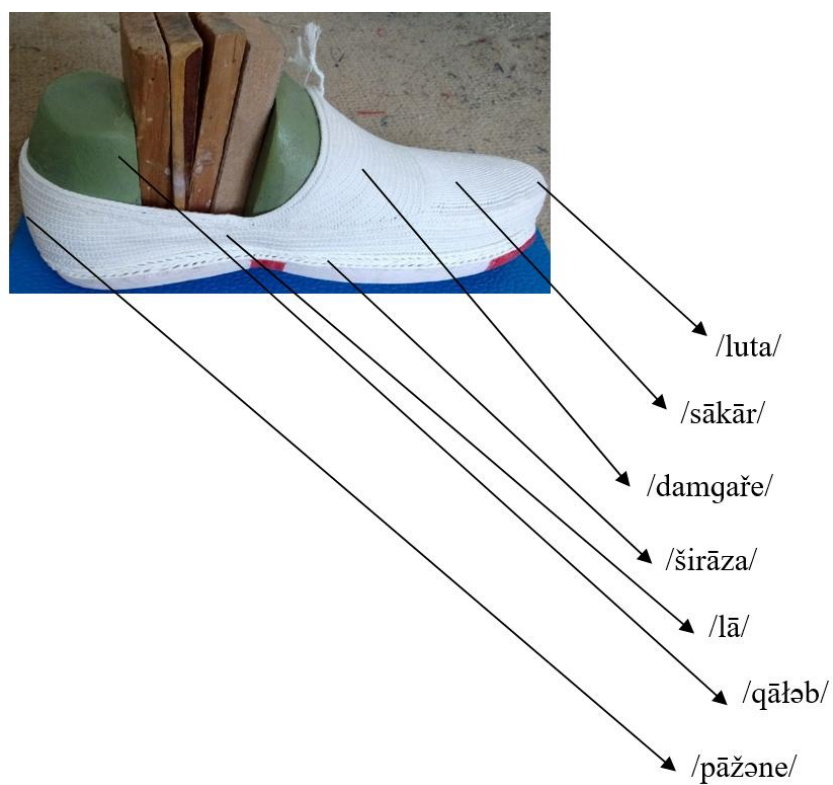
۱. مهدی سجادی، دکترای زبان‌شناسی
۲. کوروش امینی، کارشناس ارشد جغرافیا
۳. ژبار سلامتیان، کارشناس ارشد حقوق
۴. داریوش رحمانی، کارشناس ارشد جغرافیا
۵. عبدالله حبیبی، کارشناس آموزش و پرورش
۶. سلام احمدی، کارشناس جامعه‌شناسی
۷. احسان آتابیک، کارشناس حسابداری
۸. احسان کریمی، کارشناس روانشناسی
۹. سرکوت عزیزی، کارشناس تربیت بدنی
۱۰. سعدالله خون‌خام، کارشناس روانشناسی
۱۱. بلال سلیمان پور، کارشناس حقوق
۱۲. بهزاد کریمی، کارشناس روانشناسی
۱۳. بهروز حاجی، کارشناس ادبیات
۱۴. سرکوت نیکه‌دل، کارشناس هنر
۱۵. هوشیار ازغ، کارشناس علوم تربیتی
۱۶. حکمت امینی، کارشناس حسابداری
۱۷. اردشیر محی، کارشناس علوم فقه
۱۸. کاروان آتابیک، کارشناس حسابداری
۱۹. فرشاد اداک، کارشناس گرافیک
۲۰. محمود ازغ، کارشناس فقه
۲۱. محمود قادری، کارشناس علوم پایه
۲۲. لایق سلیمان زاده، کاردان علوم انسانی
۲۳. فرزین اداک، کارشناس هنر و گرافیک

رویه دفتر فرمانداری مریوان
شماره ۳۷۷۵
تاریخ ۱۳۴۶/۰۲/۲۷

رویه: دفتر نماینده مجلس شورای اسلامی شهرستان مریوان



شکل ۲



شکل ۳

منابع

- آساطوریان، گارنیک (۱۳۹۷). *گُردها و خاستگاه آنها: روش‌شناسی مطالعات گُردی*. ترجمهٔ صنعان صدیقی. تهران: فرهامه.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۷). «زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی». *مجله ادب‌پژوهی*. (۵)، ۹۱-۱۲۸.
- دبیرمقدم، محمد (۱۴۰۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، جلد ۲: زبان اورامی. ویراست دوم. تهران: سمت.
- سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۴). «واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به سنگ در زبان گورانی (گویش هورامی تَختی)». *نامهٔ فرهنگستان: ویژه‌نامهٔ زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، (۵)، ۲۰۵-۲۱۶.
- سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۶). «واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به درخت بنه، سقز و سقزکاری در زبان گورانی هورامی». *نامهٔ فرهنگستان: ویژه‌نامهٔ زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، (۸)، ۲۳۳-۲۴۳.
- سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۷). «هورامی: زبان، گویش یا لهجه و جایگاه آن در میان زبان‌های ایرانی». *نامهٔ فرهنگستان: ویژه‌نامهٔ زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، (۹)، ۸۹-۱۱۵.
- شرف‌کنندی، عبدالرحمن (۱۳۹۲). *هه‌نبانه‌بورینه: فرهنگ کردی - فارسی هه‌زار*. چاپ نهم. تهران: سروش.
- مردوخ‌روحانی، محمدماجد (۱۳۹۳). *فرهنگ جیبی فارسی - گُردی دانشگاه کردستان*. چاپ دوم. سنندج: دانشگاه کردستان.
- Asatourian, G. (2018). *Kurds and their origins: Methodology of Kurdish studies* (S. Sedighi, Trans.). Tehran: Farhameh. (in Persian)
- Dabirmoghaddam, M. (2008). Language, variety, dialect, and accent: Local and global applications. *Adabpazhuhi*, (5), 91-128. (in Persian)
- Dabirmoghaddam, M. (2023). *Typology of Iranian languages, Vol. 2: The Urmi language* (2nd ed.). Tehran: SAMT. (in Persian)
- Fallahi, M. (1991). *Contrastive Linguistics and Analysis of Errors. Vol. 1: The Grammatical Structure of English and Persian*. Tehran: Tehran University Press.
- Fisiak, J. (1981). *Contrastive Linguistics and the Language Teacher*. Oxford: Pergamon Press.
- James, C. (1980). *Contrastive Analysis*. London: Longman.
- Leezenberg, M. (1993). "Gorani Influence on Central Kurdish: Substratum or Prestige Borrowing?". *Conference on Bilingualism in the Iranian World*. Germany. pp. 1-20.
- Mackenzie, D. N. (1961). "The Origins of Kurdish". *Transactions of the Philological Society*. pp. 68-86.
- Mackenzie, D. N. (1966). *The Dialect of Awroman (Hawrāmān - Ī Luhōn): Grammatical Sketch, Texts, and Vocabulary*. København.
- Mardokh-Ruhani, M. M. (2014). *Pocket Persian-Kurdish dictionary of the University of Kurdistan* (2nd ed.). Sanandaj: University of Kurdistan. (in Persian)
- Minorsky, V. (1943). "The Gūrān". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*. Part 1. pp. 75-103.
- O'Shea, Maria T. (2004). *Trapped Between the Map and Reality: Geography and Perceptions of Kurdistan*. New York: Routledge.
- Sadjadi, Sayyed Mahdi (2019). Grammatical Gender in Arabic and Hawrami. *International Journal of Language and Linguistics*, 6(2), 85-91.

Sadjadi, S. M. (2023). "Gorani: A Distinct and Independent Language Not a Variety of the So-called Kurdish". *International Journal of Language and Linguistics*, 10(3), 1-26.

Sadjadi, S. M. (2018). Horami: Language, dialect, or accent, and its position among Iranian languages. *Nameh-ye Farhangestan: Special Issue on Iranian Languages and Dialects*, (9), 89-115. (in Persian)

Sadjadi, S. M. (2017). Words and terms related to the wild pistachio tree, gum, and resin production in Gorani Horami. *Nameh-ye Farhangestan: Special Issue on Iranian Languages and Dialects*, (8), 233-243. (in Persian)

Sadjadi, S. M. (2015). Words and terms related to stone in Gorani (Horami Takhti dialect). *Nameh-ye Farhangestan: Special Issue on Iranian Languages and Dialects*, (5), 205-216. (in Persian)

Sharafkandi, A. R. (2013). *Hehnbaneh-burineh: Kurdish-Persian dictionary Hezhar* (9th ed.). Tehran: Soroush. (in Persian)

Wardhaugh, R. (2010). *An introduction to sociolinguistics*. 6th ed. England: Wiley-Blackwell.

www.unesco.org/languages-atlas/